

## تامین رفاه نسبی، یک ارزش اسلامی

سیداحمد الحسینی  
مدرس حوزه

رفاه در احادیث و سیره معصومین از لوازم و ضرورت های حیات سالم است



کار و جامعه

کلمه رفاه از ماده «رفه» می آید که در بعضی از کتب لغت به معنای سکون یعنی آسایش و آرامش است. البته معانی مختلف دیگری نیز می توان برای رفاه در منابع یافت مانند: زندگی خوب داشتن، زندگی خوش و نیکو، راحتی، آسان شدن یا گشایش زندگی و همچنین مباحث مربوط به رزق و روزی و... معنای مشترکی که در تعدادی از کتب لغوی مانند لسان العرب از رفاه بیان شده، عبارت است از: أَنْ تَشْرَبَ الْإِبِلُ الْمَاءَ كُلَّ يَوْمٍ. یعنی رفاه را مثال زده اند به شتری که هر روز آب بخورد، باید توجه کرد که شتر حیوانی بیابانگرد است و صحراگردی تحمل فوق العاده ای می خواهد. حال یکی از معانی رفاه این است که در صحرا و به این حیوان قدرتمند هر لحظه که طلب آب کند، آب بدهند. پس معنای رفاه را می توان چنین دانست: رفاه یعنی برخورداری از نعمت به صورت پیوسته.

وقتی سراغ سخنان معصومین (علیهم السلام) می رویم، می بینیم که کلمه رفاه و مشتقات آن کم به کار رفته است، مانند فرازی از امام باقر (علیه السلام) در دعای جامع که می فرماید: اللَّهُمَّ الرَّفَاهِيَّةَ فِي مَعِيشَتِي (تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۷۷)، بلکه بیشتر از مترادفات آن استفاده شده است، مانند: الفرح، الراحة، "راحة" العيشة، العيش، السعادة، السرور، الفراغ و... بنابراین رفاه بیشتر به آسایش و خوشی و تندرستی و... مربوط می شود.

لازم است پیش از ورود به هر بحث دیگری، در یک حدیث زیبا از امام صادق (علیه السلام) مفهوم رفاه فردی و اجتماعی را در بایم. ایشان می فرماید: خَمْسُ خِصَالٍ مَنْ فَقَدَ وَاحِدَةً مِنْهُنَّ لَمْ يَزَلْ نَاقِصَ الْعَيْشِ زَائِلَ الْعَقْلِ مَشْغُولَ الْقَلْبِ فَأَوْلَاهَا صِحَّةُ الْبَدَنِ وَالثَّانِيَةُ الْأَمْنُ وَالثَّلَاثَةُ السَّعَةُ فِي الرِّزْقِ وَالرَّابِعَةُ الْأَنْبَسُ الْمُوَافِقُ قُلْتُ وَمَا الْأَنْبَسُ الْمُوَافِقُ قَالَ الرَّؤُوفُ الصَّالِحُ وَالْوَلَدُ الصَّالِحُ وَالْخَلِيطُ الصَّالِحُ وَالْخَامِسَةُ وَهِيَ تَجَمُّعُ هَذِهِ الْخِصَالِ الدَّعَاةُ (الخصال، ج ۱، ص ۲۸۴) یعنی پنج ویژگی هست که اگر کسی حتی یکی از آنها را از دست بدهد عیش و راحتی زندگی اش از بین می رود، و عقلش زائل شود و قلبش دچار مشغولیت و ناآرامی می شود (از اینجا متوجه می شویم که آرامش روانی فرد در گرو رفاه شخصی و اجتماعی است. نخست سلامت بدن است (گرچه حکمت برخی بیماری ها، آزمایش انسان هاست)، دوم امنیت (چه به لحاظ روحی و روانی و چه به لحاظ اجتماعی)، سوم گشایش در رزق، چهارم داشتن یار همراه. همین جا کسی از امام می پرسد که یار همراه به چه معناست، امام فرمود: همسر صالح و فرزند صالح و دوست صالح و پنجم آن چیزی که جمع کننده این ویژگی هاست که عبارت از آسایش است، یعنی اگر آسایش نباشد گویا هیچ یک از چهار ویژگی بالا وجود ندارد.

## رفاه از منظر اسلام

رفاه از آن مفاهیمی است که در دیدگاه های مختلف تعاریف متفاوتی برای آن ارائه کرده اند. اگر بخواهیم رفاه را با نگاه اسلامی تعریف کنیم، باید بگوییم: رفاه یعنی بهره مندی مداوم و همیشگی مردم از مواهب و نعمت های الهی به صورت مشروع و معقول در حد توانایی و استحقاق ایشان و در حد متعارف و اعتدال. مسلمانان برای تعیین حد و مرز رفاه، باید به دو مقوله مشروعیت و معقولیت اهمیت زیادی بدهند.

اگر در طول تاریخ به زندگی ائمه و فعالیت های فردی و اجتماعی آنان برای افزایش رفاه مردم توجه کنیم، می بینیم سه مولفه امنیت، عدالت و فراوانی نعمت، همواره از ارکان و مولفه های رفاه بوده است. پیامبر اسلام پس از استقرار در مدینه و بنا گذاشتن قوانین مدنی با نگاه اسلامی، در راستای ارتقای رفاه مردم تلاش زیادی کردند که یادآوری آنها می تواند ما را در شناخت مصادیق رفاه کمک کند.

ایشان چون مسئولیت حکومت و تامین امنیت و عدالت مردم را پذیرفته بودند و در برابر آن پاسخگو بودند، به ایجاد اشتغال، اقدامات فرهنگی و سیاسی، حفظ مرزها برای برقراری امنیت و رفاه و... توجه ویژه داشتند.

حضرت رسول در دوران یازده ساله ای که حکومت را در اختیار داشتند، به استحکامات دفاعی شهر مدینه و قلعه های آن، برگزاری مانورهای نظامی و نبردهای مختلف در راستای ایجاد امنیت پرداختند. البته امنیت صرفاً به مقابله با دشمن خارجی و داخلی محدود نمی شود، بلکه افراد باید به لحاظ روانی و در روابط خود با خانواده و دوستان و همکاران نیز احساس امنیت کنند.

پیامبر اسلام به منظور ایجاد امنیت شغلی، افراد را به کارهای نظامی، دامداری، کشاورزی و... تشویق می کردند تا مردم یاد بگیرند برای رفاه مادی و معنوی خود باید حرفه و پیشه داشته باشند. همین جاست که بحث روزی حلال و اهمیت کار کردن مطرح می شود. در روایات آمده است روزی مردم از جوانی در مقابل حضرت رسول تعریف می کنند. حضرت از حرفه آن شخص می پرسند. جواب می دهند او شغلی ندارد و بیکار است. حضرت می فرمایند: از چشم ما افتاد. ایشان برای بهبود شرایط شغلی افراد، زمین مشخصی را به بازار مدینه اختصاص می دهند. البته تا پیش از آن بازارهای موسمی که در ایام کوتاهی برگزار می شده، وجود داشت ولی اختصاص یک زمین برای برپایی دائم بازار از اقدامات ایشان بوده است.

پیامبر اسلام به کار کردن انگیزه الهی داد و همین موجب شد تا رفاه با مبانی دینی و اثرات مفید آن بین مردم رایج شود.

راهسازی در مدینه و اطراف آن و اختصاص بیت المال برای رفع نیازهای افراد کم درآمد از دیگر اقدامات حضرت رسول بود. از طرف دیگر، ثروت هایی نیز به دست ایشان می رسید که دامنه فعالیت های پیامبر را وسیع تر می کرد. برای مثال یکی از افرادی که در جنگ احد شهید شده بود، وصیت کرده بود اموالش به حضرت رسول برسد. پیامبر از منافع این اموال زیاد و پرسود، نیازهای مسلمانان و اهل صفا را برطرف می کردند.

کار دیگر نبی اکرم، اقطاع الدور بود یعنی زمین ها را قطعه قطعه می کردند و در اختیار بعضی از افراد برای کار و خانه سازی قرار می دادند به خصوص برای مهاجران که اموالشان را در مکه ترک کرده و برای پیروی از اسلام دیار خود را رها کرده بودند. این کار موجب شد مشکل مسکن افراد حل شود... همین جاست که می بینیم درباره مسکن وسیع داشتن مسلمانان سخنانی از پیامبر به دست ما رسیده است. زیرا خانه داشتن و دغدغه نداشتن برای جابه جایی و عدم نگرانی از ریخته شدن وسایل زندگی در خیابان و... بخشی از آرامش درونی فرد را تامین می کند. اقدامات دیگری که رسول خدا انجام دادند تا درآمد مالی مسلمان افزایش یافته و به تبع آن رفاه نسبی میان افراد جامعه ایجاد شود، عبارتند از: عقد اخوت بین انصار و مهاجران که باعث وحدت و همدلی و نیز تقسیم ثروت شد، بسته شدن قراردادهای اقتصادی در قالب مزارعه، مضاربه و مساقات بین مهاجر و انصار، تقسیم عادلانه غنائم جنگی و... از دیگر اقدامات حضرت رسول باید به تشویق مسلمین برای انجام برخی کارها مانند پزشکی، حفر قنات و چاه کنی به منظور مدیریت آب های زیرزمینی برای زراعت، اسلحه سازی، بافندگی، دوزندگی و... اشاره کرد.

تمام این کارها را گفتیم، ولی باید خاطرمان باشد پیامبر از رفاه زدگی و نعمت زدگی نهی کرده اند. یعنی نباید بیش از حد در ناز و نعمت فرو رفت. نهی از داشتن خانه بزرگی که فراتر از نیاز فرد است یا نهی از ثروت اندوزی،

تاکید فراوان بر زهد و قناعت، استفاده مناسب و سازنده از ثروت و... همگی از توصیه های معصومین (علیهم السلام) در دوری از رفاه زدگی است. با ثروت زیاد باید کاری کرد که چرخ اقتصادی جامعه بهتر از گذشته بچرخد و عده ای محروم در کنار عده ای ثروتمند که نمی دانند چطور باید خرج کنند، زندگی نکنند.

### رفاه در دوران نخستین امام

امیرالمومنین (علیه السلام) در دوره ای به حاکمیت رسیدند که بی عدالتی در جامعه موج می زد، به همین سبب ایشان مبارزه با ظلم و تبعیض و بی عدالتی و رفاه زدگی را سرلوحه فعالیت های خود قرار دادند تا جامعه را از بحران دور کنند و حتی برای این کار بخشنامه ای دادند که: برای رونق بخشیدن به اقتصاد، از بیت المال هزینه کنید.

مولای متقیان خود به احیای نخلستان ها و مدیریت آب های زیرزمینی پرداختند که آثار آن امروز هم دیده می شود. توجه به کشاورزی، دریافت مالیات و خراج برای زمین های بایری که به آبادانی می رسند و منفعت رسان می شوند، از دیگر اقدامات ایشان بوده است.

یکی از افتخارات حضرت امیر که امروز در نهج البلاغه به دست ما نیز رسیده، عبارت است از: تامین حداقل نیازهای روزانه مردم مانند خوراک، نوشیدنی ها و مسکن. البته ترویج آزادی سیاسی و بیان نقادانه خود موجب ایجاد امنیت در جامعه شده بود. وقتی فرد احساس امنیت کند، به یکی از مولفه های مهم رفاه دست یافته است.

نباید فراموش کنیم که دوران حاکمیت امیرالمومنین بسیار کوتاه بوده است و پس از ایشان رفاه آن گونه که مدنظر اسلام است هیچ گاه عملی نشد، زیرا هیچ یک از امامان پس از وی فرصتی برای حضور در عرصه حاکمیت پیدا نکردند. لذا اهل بیت (علیهم السلام) کوشیدند از طریق اقدامات فرهنگی، باعث افزایش آگاهی دینی و علمی مردم شوند تا به رفاه مادی و معنوی در دنیا و آخرت برسند. در حقیقت معصومین با توجه به چارچوب های دین مبین اسلام، تلاش کردند تک تک آحاد جامعه به حیات طیبه که همان سعادت دنیا و آخرت است دست یابند که این مهم با احیای فطرت دینی انسان و ایمان راسخ وی به خدا حاصل می شود، تا با توجه به تربیت دینی برگرفته از ایمان، به کار و تلاش و عبادت بپردازند و به سعادت دنیا و آخرت نائل شوند.

منبع: جام جم شماره ۳۸۹۵

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی